

# نظری به استقرارهای کوچ نشینان در مناطق دره ای کوهستانی جیرفت

سلمان انجم روز<sup>۱</sup>

## چکیده:

می تواند راهگشایی برای تحقیقات بعدی در این زمینه و زمینه های دیگر در این منطقه باشد. با توجه به نقش کوچ نشینان به عنوان یک جامعه پیرامونی که در طول تاریخ بخشی از اقتصاد شهری را تأمین کرده و امروزه شاهد آخرین بقایای این جوامع هستیم، نمی توان بی توجه به این موضوع بود. کوچ نشینان نقش بسیار مهمی را به عنوان واسطه تغییرات فرهنگی جوامع یکجانشین بازی کرده اند. نقش آن ها در انتقال و انتشار فرهنگ و دست آوردهای تکنولوژیکی و نوآوری ها، ایده ها و عقاید و حتی مذهب بسیار مهم است (Khazano ۲۰۰۱:۳). پس یک بررسی علمی در منطقه ای که دارای چنین جوامع حاشیه ای است بدون توجه به این جوامع ناقص باقی خواهد ماند.

استقرارهای کنونی جیرفت را می توان به سه دسته شهری، روستایی و کوچ نشین تقسیم نمود، به طوری که جامعه کوچ نشین در پیرامونی ترین قسمت این جوامع قرار گرفته و بخشی از اقتصاد آن ها را تأمین می کرده است و در روی دادهای تاریخی این منطقه نقش بزرگی داشته است، پس اهمیت موضوع مورد مطالعه بیشتر مطرح می شود. منظور از جامعه عشایری در دانش مردم شناسی

کوچ نشینی را می توان به عنوان پدیده ای ناشی از علل سیاسی و محیطی در نظر گرفت که تا عصر حاضر ادامه یافته و نقش مهمی را در جوامع یکجا نشین به عنوان یک جامعه حاشیه ای بازی کرده است که برای تأمین نیازهای جسمانی آن جوامع و برای تأمین نیازهای زندگی خود ملزم به حرکت یا کوچ همراه دام شده اند و با توجه به این شرایط گفته شده در دوره های مختلف می توانیم شاهد تکرار این پدیده ی فرهنگی باشیم.

یکی از جاهایی که به خوبی می توان در آن پدیده کوچ نشینی را مطالعه کرد، منطقه جیرفت است. در مقاله ی زیر سعی می شود جنبه ای از خصوصیات این جامعه توضیح داده شود.

**واژگان کلیدی:** کوچ نشینی، جیرفت، بهر آسمان، ساردوئیه، پای

کوه، بیلاق، قشلاق، نقوش صخره ای

## مقدمه:

این مقاله تلاشی است در جهت روشن کردن مسائلی مربوط به کوچ نشینی در منطقه جیرفت و دادن راه کارهای تحقیقی که خود

ساردوئیه است<sup>۲</sup>. از آن جا که خود من سهمی در عضویت جامعه کوچ نشین این منطقه، به عنوان نسل شهری و نوعی خویشاوندی دارم بهتر توانستم به موارد قوم نگاری جنبه مشارکتی بدهم. اما مشکلی که دامن گیر تحقیق می شود مسئله تغییرات آب و هوایی در طول زمان است که به نوعی می توان آن را بهانه ای در عدم تکرار حرکات مطرح شده کوچ نشینان امروزی توسط افراد گذشته در نظر گرفت، اما با این چالش تا حدی می توان کنار آمد زیرا:

شیوه زندگی کوچ نشینی را می توان به منزله انطباقی زیست محیطی و گاه سیاسی در نظر گرفت و با توجه به آب و هوای به نسبت پایداری که پس از دوره پلاستوسن به وجود آمده می توان تصور کرد که راهبرد کنار آمدن با محیط طبیعی تغییر چشم گیری نکرده است (علیزاده: ۳۸۳۱) اما در صورت تغییر آب و هوا نیز تغییر چندان در بیابان و قشلاق به وجود نمی آید زیرا یک هم بستگی مثبت بین دمای دو منطقه پست و بلند وجود دارد و این باعث می شود نسبت دمای بین دو منطقه ثابت بماند.

در قسمت نخست این مقاله مختصری درباره شرایط جغرافیایی و تاریخی و کوچ نشینی این منطقه را بحث می شود و بعد داده های مرتبط با موضوع تحقیق معرفی می شود.

### جیرفت، کوچ نشینی و اوضاع جغرافیایی و تاریخی

منطقه جیرفت با طول جغرافیایی ۴۴-۷۵ و عرض جغرافیایی ۲۸-۴۰ و ۶۸۵ متر ارتفاع از سطح دریا، از جانب شرقی و غربی به کوه های بارز و بافت، از شمال به کوه های بهر آسمان و در نهایت از جنوب به کهنوج و کوه های بشاگرد ختم می شود و رودخانه هلیل رود، که از کوه های بهر آسمان سرچشمه گرفته، از این منطقه عبور می کند. مجموعه این عوامل شرایطی را به وجود می آورد که در فرایندهای فرهنگی این منطقه بی تاثیر نیست.

جیرفت در طول تاریخ عرصه حوادث و تاخت و تاز اقوامی چون غزها و سلاجقه و منزلگه بازرگانان و تجار بوده است. مرکز جیرفت را در آن روزگار "قمدین" می گفتند و شاید همان باشد که بعدها در قرن ۷ هجری مارکوپولو آن را کامادی نامید که از مراکز تجاری مهم محسوب می شد (باستانی پاریزی: ۲۲۶:۲۵۳۵). این شهر در سال ۵۷۰ هجری بر اثر یورش غزها نابود شد و از رونق تجاری افتاد (محمد بن

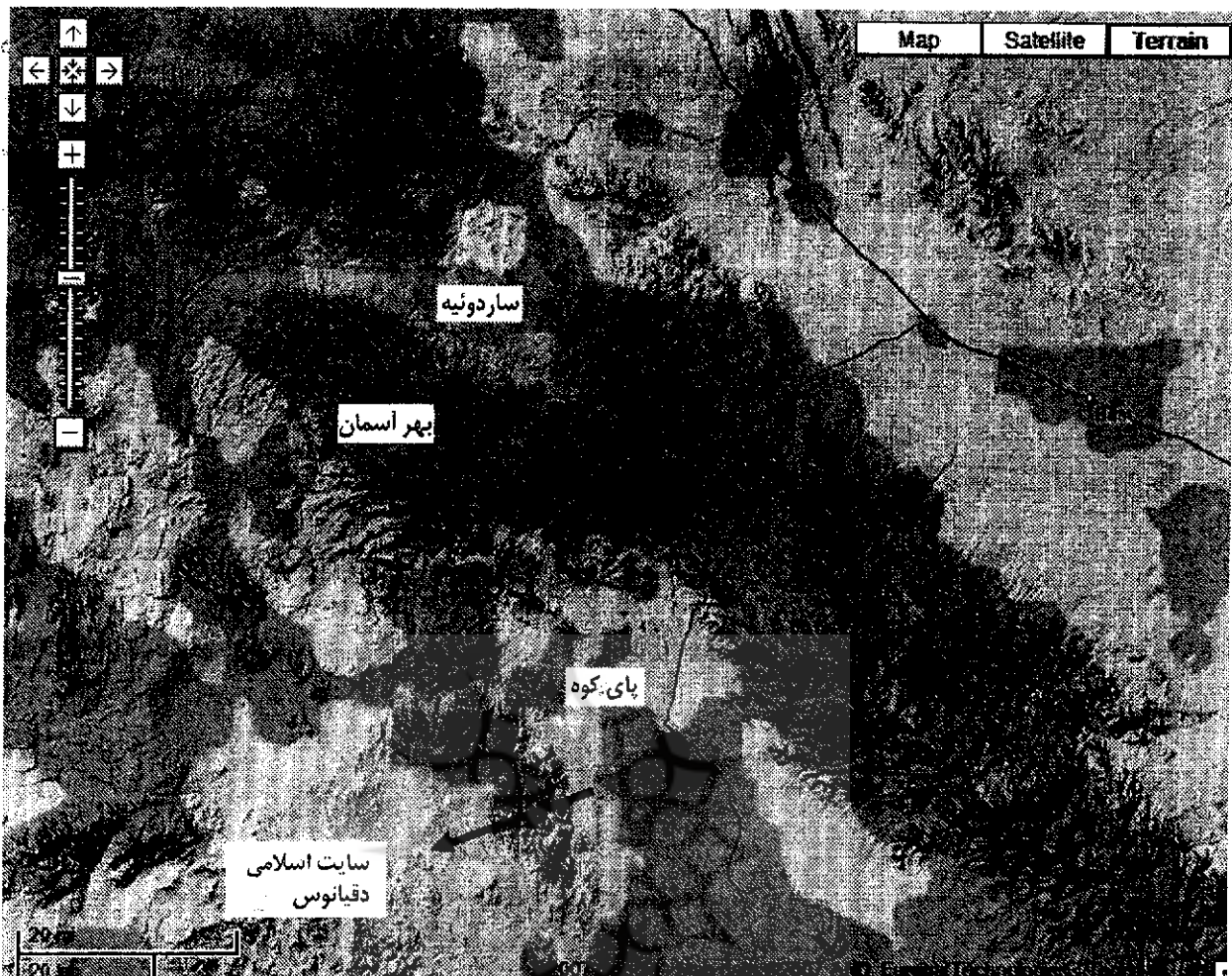
و جامعه شناسی، گروهی از مردم خویشاوند است که با بهره گیری از دو شیوه معیشت، پرورش دام در سطحی گسترده و کشاورزی در سطحی محدود زندگی می کنند (طیبی ۱۱۱:۱۳۷۴). کوچ یا حرکتی که توسط این جوامع انجام می شود دو نوع افقی و عمودی است که اولی بیشتر در مناطق بیابانی و دومی بین دو سرزمین پست و بلند انجام می گیرد.

**کوچ افقی:** انسان و دام در جهت افقی و زمین های هم ارتفاع حرکت می کنند، این نوع کوچ در زمان های گذشته در بیشتر سرزمین های خشک دنیا از جمله ایران، عربستان، صحرای آفریقا، برخی از مناطق روسیه و صحرای گبی در مغولستان رواج داشت و در این نوع کوچ شتر، دام اصلی است که همراه آن تعدادی بز دیده می شود (مشیری ۱۳۸۰).

**کوچ عمودی:** گوسفند از دام های اصلی این نوع کوچ است که در میان آن تعدادی بز و حتی گاو نیز دیده می شود. مراتع این دام ها به خصوص برای گوسفند، باید از انواع گیاهان خشک و نیمه خشک یا نیمه مرطوب و دارای آب دایمی باشد. از این رو در فصول مختلف از مراتع بیابانی و قشلاقی استفاده می کنند و چون دست یابی به این مراتع مستلزم حرکت صعودی و نزولی در ارتفاع است، کوچ به صورت عمودی صورت می گیرد (همان).

کوچی که با منطقه مورد مطالعه ما مطابقت می کند از نوع عمودی است و چنان چه در تصویر ۱ مشاهده می کنید مناطق بلند و سردسیری مثل ساردوئیه و بهر آسمان به عنوان بیابان و مناطق حاشیه ای جیرفت مثل دشت پای کوه به عنوان قشلاق عشایری از این منطقه در نظر گرفته می شوند. حال پرسشی که مطرح می شود و مسیر تحقیق ما را هدایت می کند این است که آیا حرکات میان سرزمینی که امروز توسط کوچ نشینان در این منطقه بین بیابان و قشلاق انجام می شود را می توان به گذشته نسبت داد؟

برای پاسخ به به پرسش مطرح شده نخست راهبردی تعیین شد بدین منوال که پیمایشی در طی چند فصل در مناطق بیابانی و مناطق حاشیه ای جیرفت برای دست یابی به داده های فرهنگی صورت گرفت که داده های به دست آمده شامل یافته های باستان شناسی و موارد قوم نگاری بود. البته قسمت دیگر شناخت ما از مواد باستانی حاصل بررسی های آقای علی دادی سلیمانی در بخش



شکل ۱

فرماندهی علی بن کلویه که در دره دلفارد و دامنه‌ی کوه‌های بارز صورت گرفت اشاره کرد ( صفا ۱۴۵:۱۳۷۴). در شاهنامه از برخورد انوشیروان با طوایف بارز آمده:

ز گفتار دهقان بر آشفت شاه      به سوی بلوچ اندر آمد به راه  
چه آمد به نزدیک آن درز کوه      بگردید گرد اندرش با گروه  
بدان گونه گرد آمدند و سپاه      که بستند بر باد و بر مور راه

در خصوص برخورد عشایر هنگام ورود آغا محمد خان قاجار به کرمان: و گفته شد مردم را بر هنگامی که در محاصره باباخان بودند توسط قاصدی شبانه از عشایر منطقه به ویژه سلیمانی‌ها، لری‌ها و قتلوها امداد خواستند که با ورود تفنگچیان عشایر به رابر محاصره و درگیری به صلح منجر شد (مقدس جعفری ۲۱:۱۳۷۹).

از قبایل کوچ نشین جیرفت می‌توان به بهر آسمانی، سلیمانی، اسفندیاری، شجاع الدینی، جبال بارزی و... اشاره کرد.

ابراهیم ۱۳۴۳). پلوتارک می‌نویسد: اسکندر بیابان کناره دریا را ظرف شصت روز طی کرد، این بیابان قاعدتا می‌تواند بیابان فعلی بلوچستان و پایان بیابان یعنی حوالی جیرفت فعلی باشد (باستانی پاریزی ۲۲۶:۲۵۲۵).

پوشش گیاهی مراتع ییلاقی شامل گیاهان و درختانی چون درمنه، پسته وحشی (بنه)، کهکم، شیرین بیان (مدکی)، آله، بادام کوهی، زراب، ازگن، پونه (پیدنه)، گون (گینی) و مراتع قشلاقی، شامل کهور، آفاقیا (گلپرک)، آویشن (در ارتفاعات)، شیر بادام، سدر (کنار) است. مجموع آن چه نام برده شد و دام و گوسفند و کشاورزی در سطح محدود زیربنای اقتصاد آن‌ها را تشکیل می‌دهد. و حرکات کوچ نشینان با این فرم اقتصاد پیوند می‌یابد (Frachetti 2004:40).

به نقش عشایر و کوچ نشینان این منطقه در طول تاریخ نمی‌توان بی تفاوت نگریست به عنوان مثال می‌توان از برخورد قبایل قفص (کوچ) علیه دیلمیان و جنگ معزالدوله دیلمی با کوچ به

### داده‌های مرتبط با موضوع تحقیق:

- نقوش صخره ای فراش ساردوئیه و منطقه پای کوه جیرفت سنگ نگاره‌ها را به دو دسته کنده کاری و رنگ آمیزی و رنگ آمیزی می‌توان تقسیم کرد که خود نقوش کنده به صورت کوباندن یا خراشاندن ابزار که از جنس سنگ می‌تواند باشد به وجود می‌آیند. اهمیت شناسایی سنگ نگاره‌ها بر کسی پوشیده نیست چرا که اطلاعاتی درباره تاریخ و مردم شناسی در اختیار می‌گذارند و علاوه بر این در بررسی روند تحول سبک‌های پیش از تاریخ تا دوران معاصر، فنون نگارگری و... انگیزه‌ها و در نهایت دست‌یابی به واقعیت زندگی گذشته کاربرد دارند (گاراژیان، عادل، پابلی یزدی ۱۳۸۰:۹۱). این نگاره‌ها بیشتر به نقوش چوپانی مشهورند (فرهادی ۱۹۷:۱۳۷۶).

در این جا ما سعی داریم در پاسخ به پرسش‌های خود از یک مقایسه استفاده کنیم: در منطقه پای کوه واقع در دشت غربی جیرفت که محل زمستانی تعدادی از آخرین بقایای عشایر بهرآسمانی است بر روی صخره‌های آهکی نقوشی از جمله بز کوهی نر به فراوانی، نقشی از انگشتان انسان (شکل ۳ و ۲) و چیزی شبیه الگوهای مفرغی و... وجود دارد که این آثار در کنار گورهای چینه سنگی و سردابه ای واقع شده‌اند (متأسفانه توسط حفاران غیر مجاز تخریب شده‌اند). مجموع این آثار همگی قابل مقایسه با نقوش صخره ای فراش (شکل ۱۲) گورهای سنگی منطقه فراش و گردوکلو زمین حسین هستند که به دوره ی اشکانی نسبت داده شده‌اند. (سلیمانی ۱۳۸۳). پس با توجه به نوع سفال‌های موجود شاید بتوان تمام این نقوش صخره ای را به دوره ای اشکانی نسبت داد.

البته از آثار دیگر می‌توان به سنگ چین‌های محاطی (شکل ۱۱) چهار ضلعی که طبق بررسی شخصی روی جوامع حاضر آن جا به نوعی آغل یا جای نگهداری دام می‌توانند باشند.



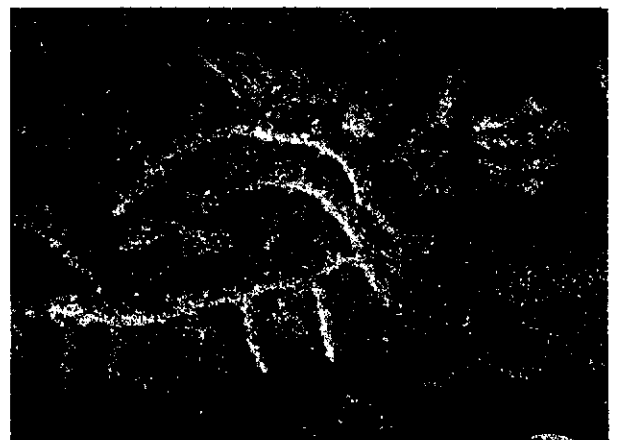
شکل ۳



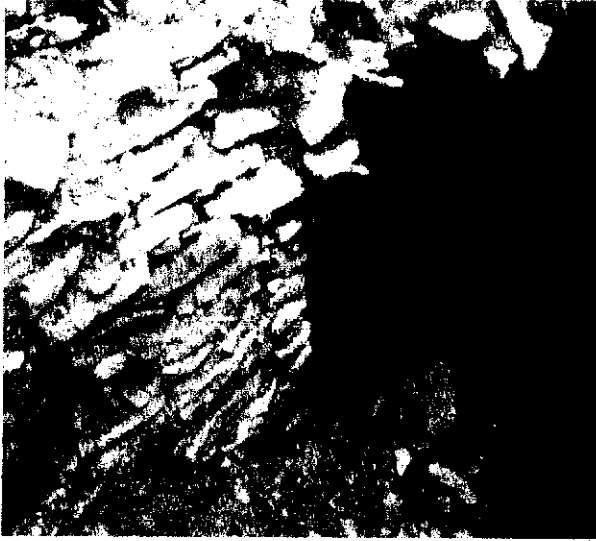
شکل ۴



شکل ۵



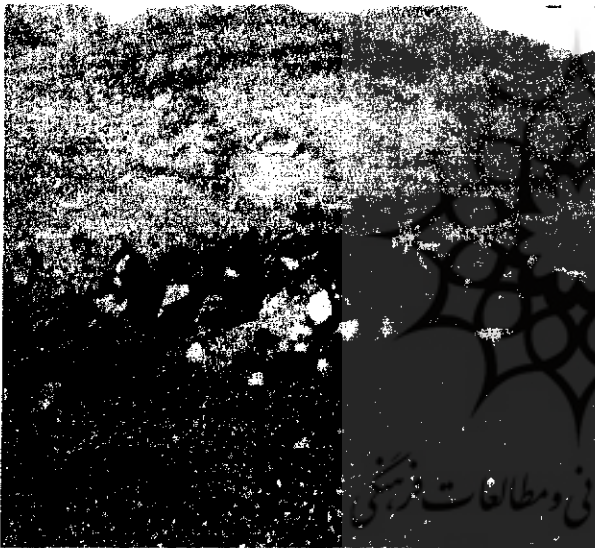
شکل ۲



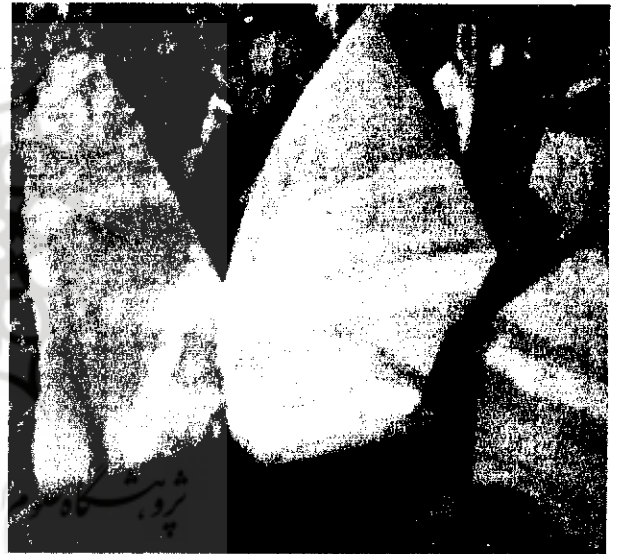
شکل ۹



شکل ۶



شکل ۱۰



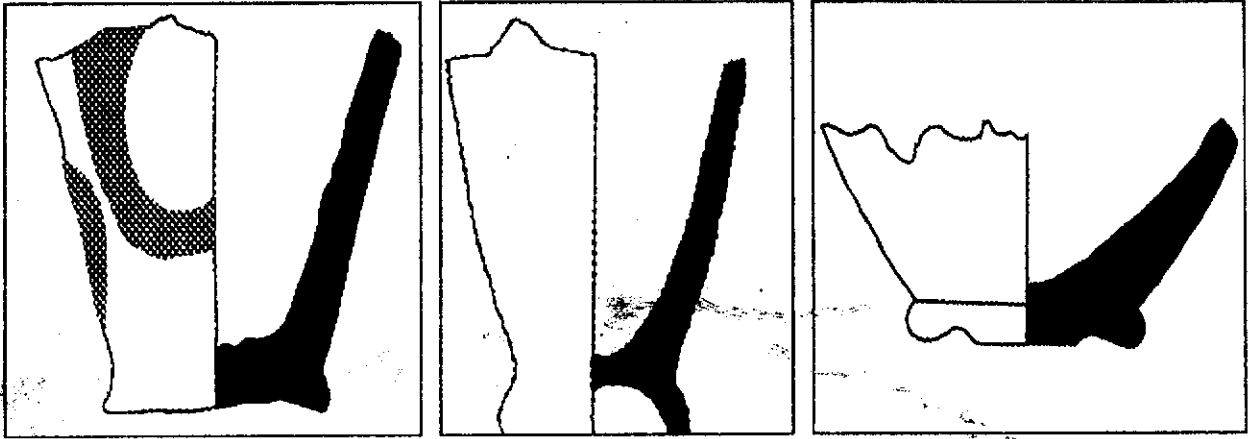
شکل ۷



شکل ۱۱

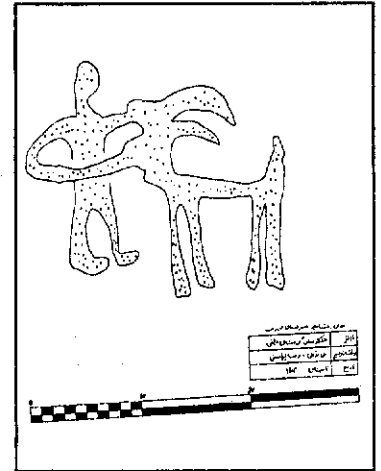


شکل ۸

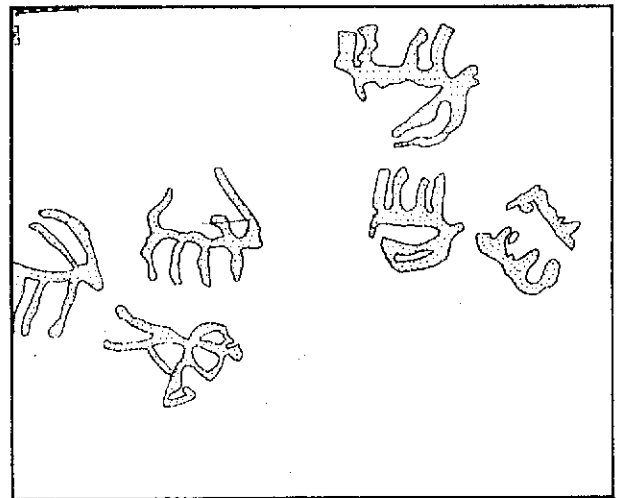
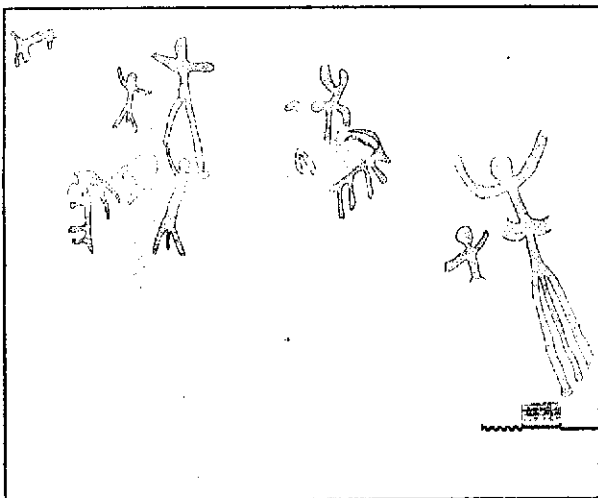


- عکس و طرح از سلمان انجم روز

سنگ نگاره‌های فراش



شکل ۱۲



- عکس و طرح برگرفته از علی‌دادی سلیمانی ۱۳۸۳

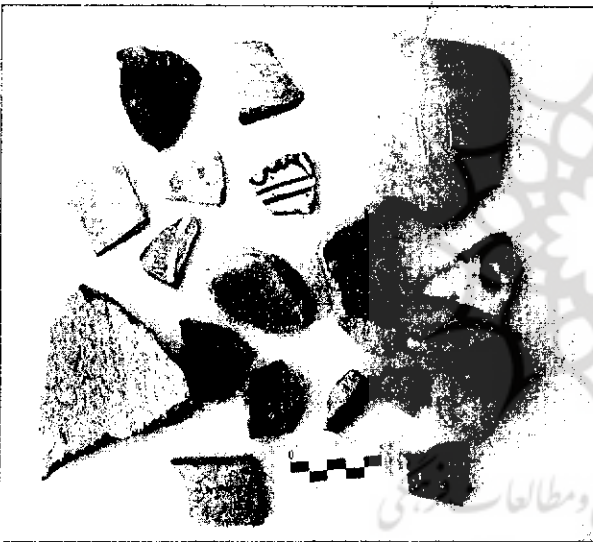
## بهر آسمان :

درباره لفظ بهر آسمان، در کتاب وادی هفت واد باستانی پاریزی احتمال به این می‌دهد که اگر بهر همان بارز باشد پس بهر آسمان به معنی محل اقوام بارز است. اما معنایی که اهالی آن محل به دست ما می‌دهند به معنای کنار آسمان یا با آسمان روی هم (ور بر آسمان) است و این به خاطر ارتفاع زیاد منطقه است. این منطقه با حدود ۱۰۰ خانوار عشایر استقرارگاه تابستانی کوچ نشینان و محرکان شهری است و خود این منطقه به دو بخش زمین حسین و دولت آباد تقسیم می‌شود. چنانچه هر کدام به بخش‌های کوچک‌تر که هر بخش چند خانوار را همسایه کرده و تشکیل یک ایشوم را می‌دهند پس ایشوم یک کلان بندی مکانی است.



شکل ۱۳

آثار به دست آمده از این منطقه شامل آثار معاصر یا آن‌هایی به نسل‌های پیشین همین کوچ نشینان تعلق دارند و آثار ادوار پیشین تر از اولی‌ها می‌توان به آسیاب‌های آبی (شکل ۲۴) قدمگاه‌ها (شکل ۲۵) و از دومی به آثار دوره اسلامی از جمله سفال‌های اسلامی زمین حسین و سفال‌های دولت آباد بهر آسمان اشاره کرد. سفال‌های به دست آمده از این منطقه، به ویژه سفال قالبی (شکل ۱۳)، شباهت زیادی به سفال‌های دقیانوس دارند که شاید وارد شده از همان جا باشند.

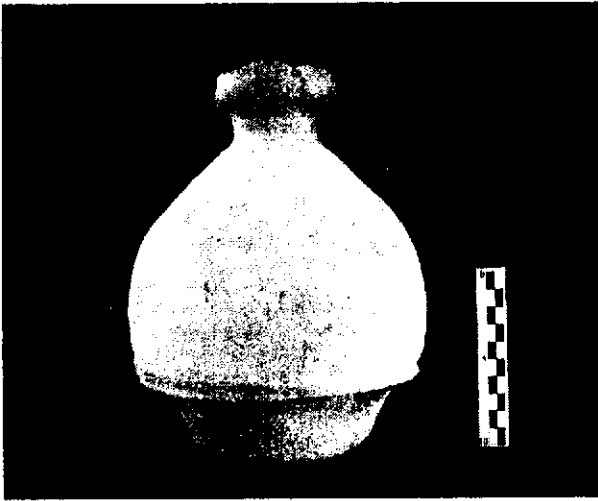


شکل ۱۴

سفال قالب زده که از گونه‌های صدر اسلام به شمار می‌رود و به احتمال حاصل پیشرفت سفال نوع استامپی است با نوآوری سفال گران سلجوقی به یکی از گونه‌های سفال متداول این عصر تبدیل شد که در مراکز بسیاری مانند نیشابور، جرجان، ری، جیرفت و... تولید می‌شد (دژم خوی ۱۳۸۶: ۳۰). در دقیانوس مقدار زیادی قالب‌های سفالی، جوش کوره، و سفالهای قالب زده به دست آمده که نشان دهنده وجود یک مرکز عمده ی تولید سفال سلجوقی در این جا است که در اتریورش غزاها به سال ۵۷۰ هجری متروک می‌شود (چوبک ۱۳۸۳).



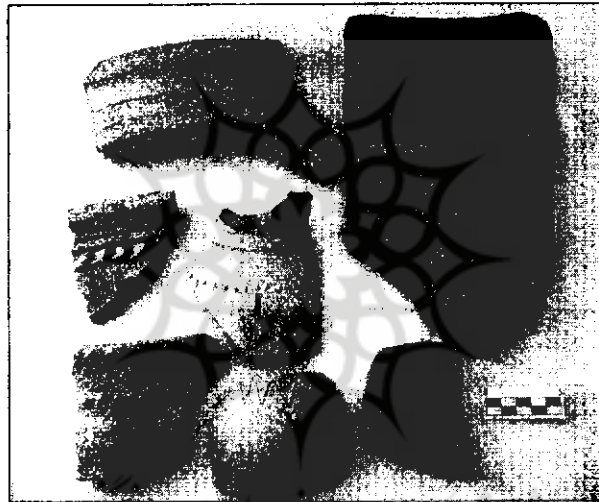
شکل ۱۵



شکل ۱۷



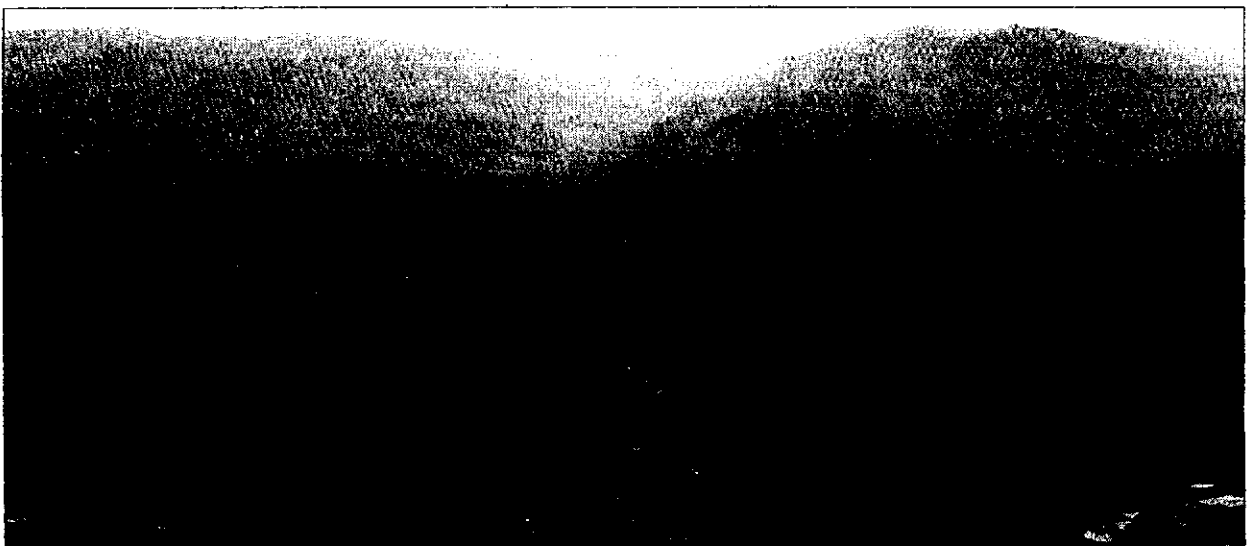
شکل ۱۶



شکل ۱۸

عکس برگرفته از علیدادی سلیمانی ۱۳۸۳

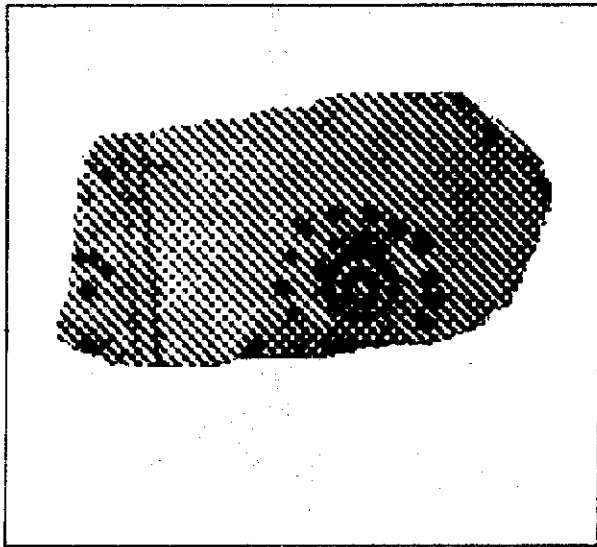
آثار دولت آباد:



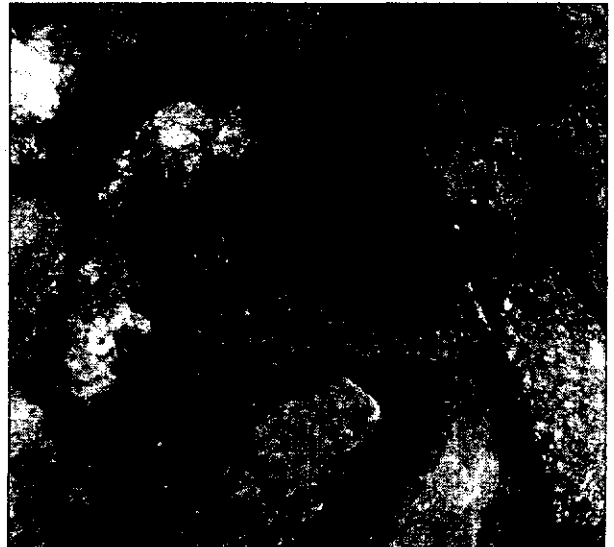
منظره ایی از دولت آباد بهرآسمان، عکس از سلمان انجم روز

شکل ۱۹

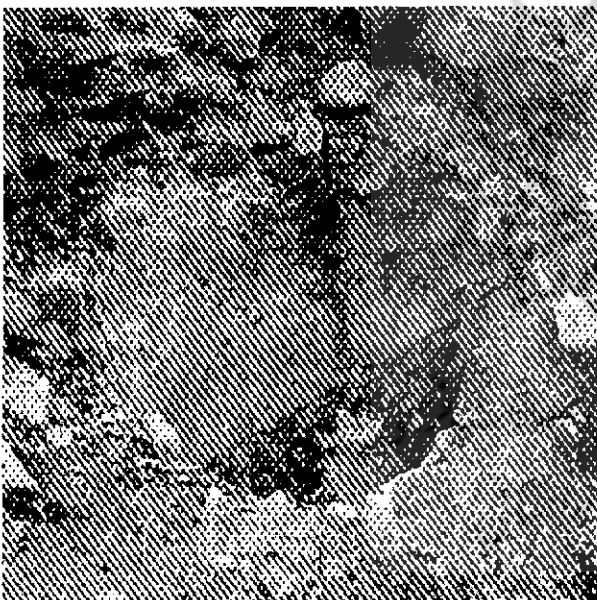




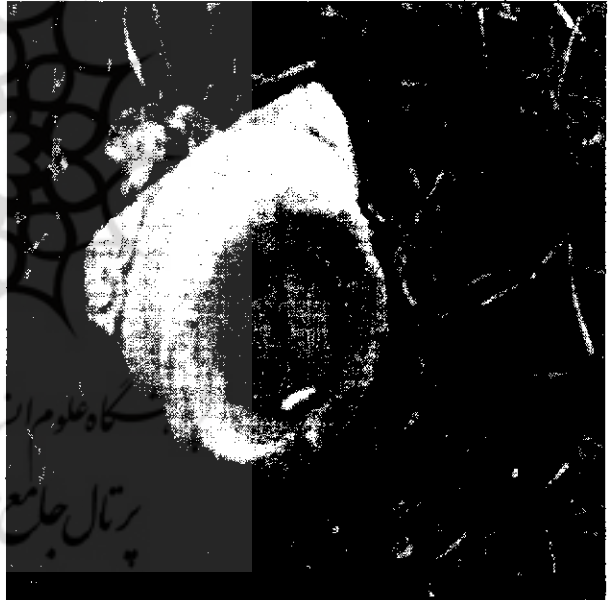
شکل ۲۲



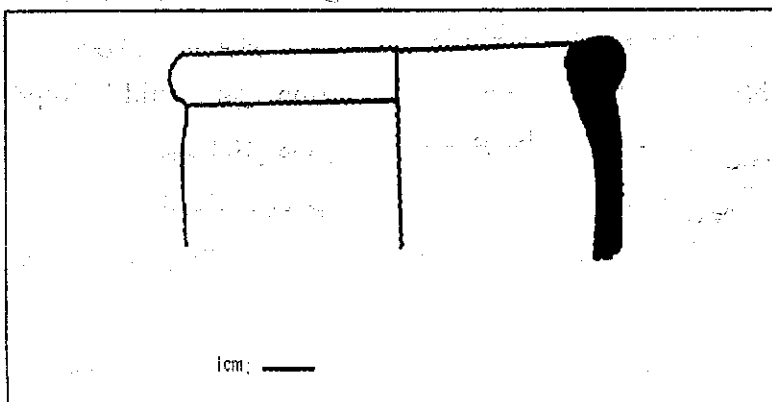
شکل ۲۰

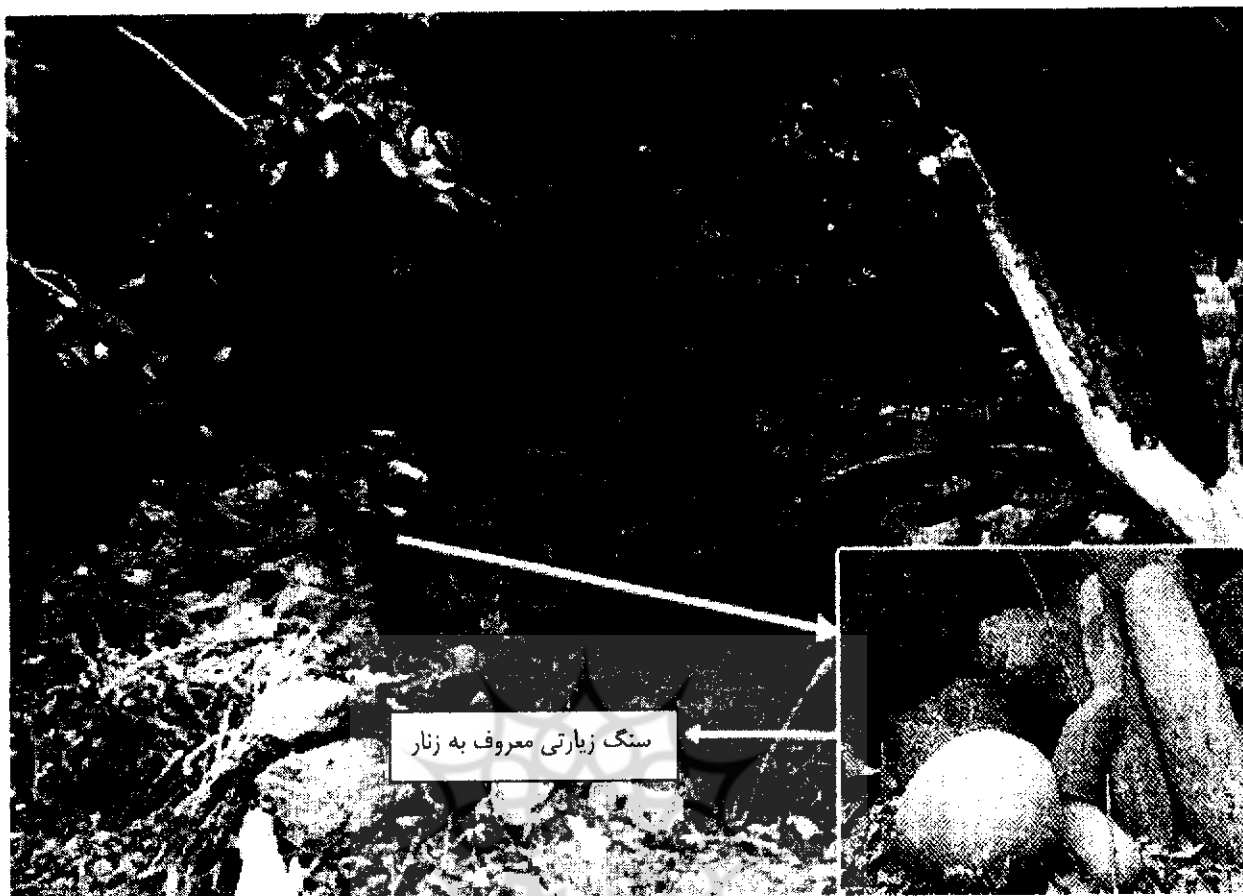


شکل ۲۳



شکل ۲۱





سنگ زیارتی معروف به زنار

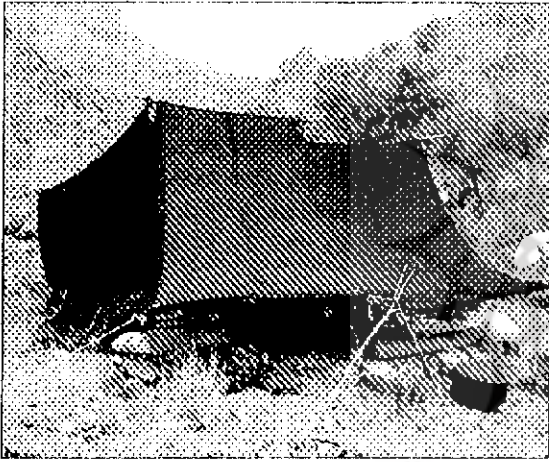
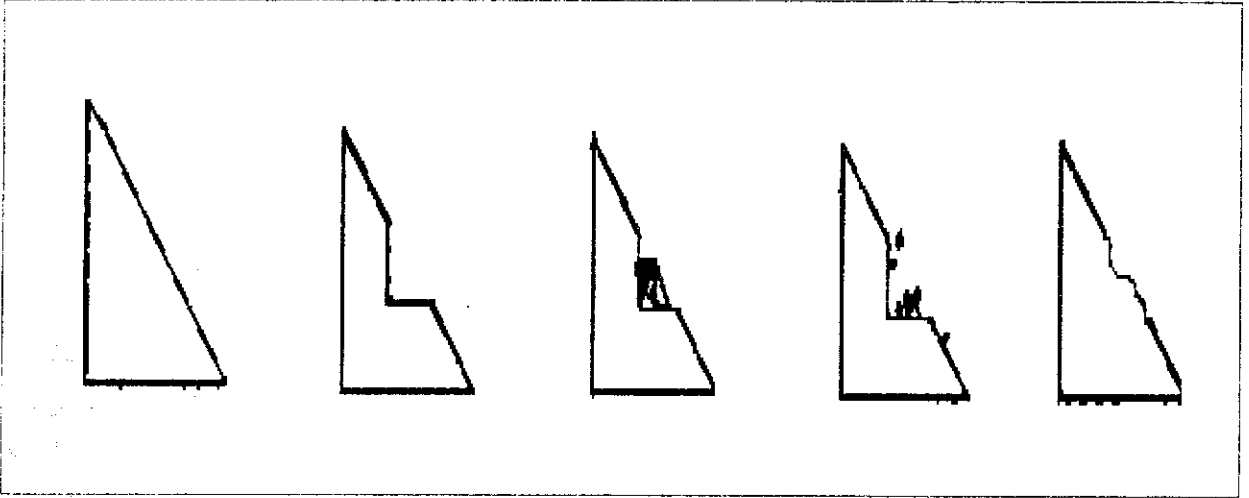
عکس از سلمان انجم روز

### چگونگی شکل گیری و نابودی یک استقرار گاه کوچ نشینی در مناطق دره ای و کوهستانی:

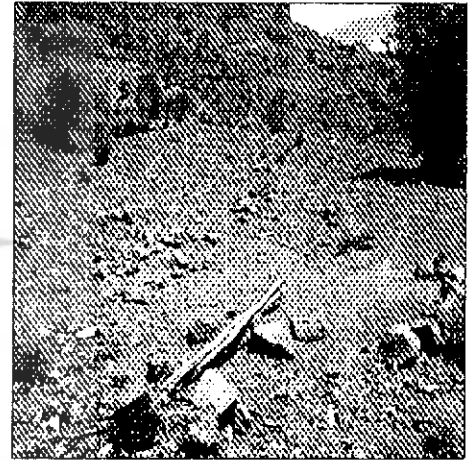
این بحث خود در برگرفته مشکلاتی است که دریافت آثار کوچ نشینان به وجود می آید البته مشکلات دیگری چون ساختار اقتصادی جوامع کوچ نشین نیز دلیل بر این امر است به طوری که ممکن است هیچ اثری یافت نشود و این موضوع در مورد ادوار قبل تر پیچیده تر و مشکل تر است و به قول چایلد: عجز از یافت سایت های پیش از تاریخی که به کوچ نشینان تعلق دارند دلیلی بر این نیست که هیچ چیز وجود ندارد (child 1936:p81 به نقل از cribb 1991:65). به دلیل وجود دامنه های شیب دار در اسکان گاه های دره ای برای برپایی یک اسکان گاه (ارت) لازم است ابتدا شیب زمین بر طرف شود که این امر به دو طریق انجام می گیرد: الف- ایجاد برش بر سطح دامنه ب- ایجاد سنگ چین و پر کردن آن با خاک دامنه. در شکل (۲۶ و ۷۲) مراحل یک استقرار از ایجاد تا ترک آن را می بینیم

که بعد از ترک به علت شیب دامنه مواد از بالا به درون سقوط کرده و ارت (لفظ ارت می تواند برگرفته از یورت مغولی است و یا از اردو زدن و...) دوباره مسطح می شود و به همین دلیل یافتن آثار کوچ نشینان غیر قابل تشخیص است زیرا که امکان دارد این آثار تا اعماق زیاد زمین مدفون باشند. چنین مشکلاتی در سرزمین های پست کمتر است اما انگار کوچ نشینان داده های کمی را به جا می گذارند. چادر ممکن است نابود شده و دیرک ها فرو رفتگی کم عمقی را به جا بگذارند اما این ساختارهای قابل حرکت با فیچرهای مادی یا چیزهای ثابت همراه می شوند (cribb 1991:65). در شکل (۲۸ و ۲۹) تفات آشکار دو منطقه پست و مرتفع را می بینیم.

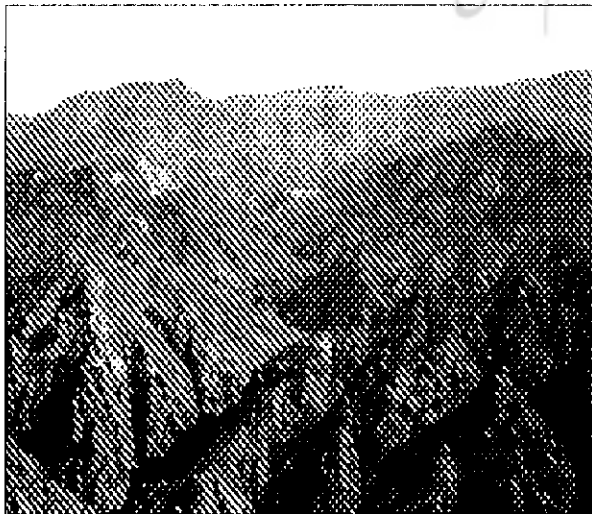
**سخن آخر:** با توجه به آن چه گفته شد، دیدیم که کوچ نشینی در جبرفت در بر گیرنده مقطع های مختلف زمانی است که به نوعی نشان دهنده ی تکراریک رویداد است، در دوره های مختلف و در دو مکان بلند و پست، که می تواند ناشی از دلایل مختلف باشد. اما آن چه



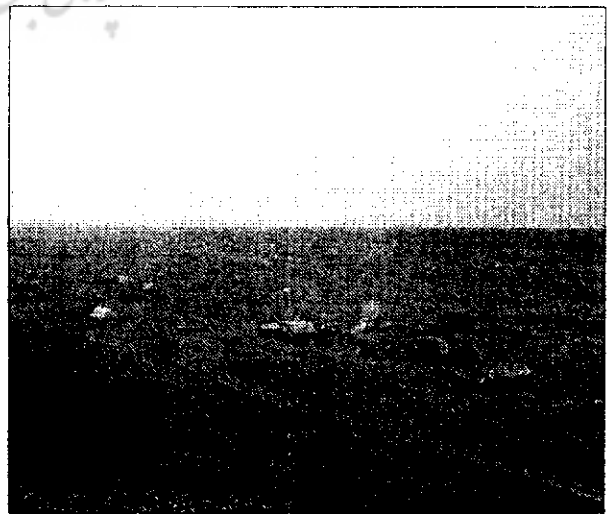
شکل ۲۵



شکل ۲۶



شکل ۲۸



شکل ۲۷

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

مرتبط با این موضوع و دیگر موارد مرتبط در منطقه راه حل ارائه کند و نیز امیدوارم در آینده تحقیقات با مشکلات ناگفتنی همراه نباشد.

که این رویدادها را بتواند از یک مدل خارج کند فاصله سایت‌ها از یک دیگر و... است. امیدوارم که تحقیقات بعدی بتواند برای چالش‌های

### کتابشناسی:

- ۹- مشیری، رحیم، ۱۳۸۰، جغرافیای کوچ نشینی، تهران سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)  
 ۱۰- مقدس جعفری، محمد حسن، ۱۳۷۹، سلیمانی‌ها گذری بر قلمرو جامعه شناسی عشایر، کرمان: دانشگاه شهید باهنر  
 ۱۱- فرهادی، مرتضی، ۱۳۷۶، موزه‌هایی در باد، رساله ای در باب مردم شناسی هنر (گزارش مجموعه سنگ نگاره‌ها و نمادهای تیمره، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی  
 ۱۲ - صفا، عزیز، ۱۳۷۴، جبال بارز در مسیر تاریخ، مجموعه مقالات دومین دهه و کرمانشناسی، انتشارات کرمان شناسی، کرمان، مرکز کرمانشناسی

- ۱ - باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، ۲۵۳۵، وادی هفتوادانجمن آثار ملی  
 ۲- چوبک، حمیده، ۱۳۸۳، تسلسل فرهنگی جازموریان: شهر قدیم جیرفت، پایان نامه مقطع دکترا، دانشگاه تربیت مدرس  
 ۳- طیبی، حشمت الله، ۱۳۷۴، مبانی جامعه شناسی و مردم شناسی ایلات و عشایر، انتشارات دانشگاه تهران،  
 ۴- علیزاده، عباس، ۱۳۸۳، منشأ نهادهای حکومتی در پیش از تاریخ فارس: تل باکون، کوچ نشینی تشکیل حکومت‌های اولیه، ترجمه کوروش روستایی، تهران، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری: بنیاد پژوهشی پارسه

13-Cribb roger/1991/nomad archaeology/  
 university press/cambridj uk

۵- محمد بن ابراهیم، ۱۳۴۳، تاریخ کرمان، به تصحیح تشحیح و مقدمه باستانی پاریزی، تهران، انتشارات طهوری

14-Khazano m.Anatoly/ 2001/nomad in history  
 of sedentary world/nomad in sedentary world/  
 curzen press

۶- گاراژیان، عمران - عادل، جلال - پاپلی یزدی، لیلا، ۱۳۸۰، سنگ نگاره‌های تازه کشف شده همیان، انسان شناسی، نشریه مرکز نشر دانشگاهی، شماره ۲

15-Frachetti Michael david2004/bronz age  
 pastoral landscapes of Eurasia and nature of  
 social interaction in the mountain stppe zone of  
 eastern kazakhstan/uiversity of pennesylvania

۷- دژم خوی، مریم، ۱۳۸۶، نظری اجمالی بر سفال قالب زده عصر سلجوقی، باستان پژوهی جهاد دانشگاهی دانشکده ادبیات و علوم انسانی سال نهم، ر

۸- علیدادی سلیمانی، نادر، ۱۳۸۳، گزارش نخستین بررسی و شناسایی جیرفت، بخش ساردوئیه، سازمان میراث فرهنگی و صنایع گردشگری کرمان